



منظومه باز گشت در روزهای پر کار

#

فرهیختگان انجمن لنگرودی این روزها پر کار به نظر می‌رسد؛او که با فیلم «احتمال باران اسیدی» در دو بخش سی‌وسومین جشنواره فجر حضور دارد، تازه‌ترین کتابش را هم منتشر کرده است؛ شمس لنگرودی در گفت‌وگو با فرهیختگان خبر چاپ کتابش را داد. کتاب «منظومه باز گشتت و اشعار دیگر» توسط نشر چشمه منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان به او قرار دارد. لنگرودی که پارسال مادرش را در روز تولد خودش از دست داد نوشتن شعری بلند را آغاز کرد که این شعر حاصل اتفاقات روحی پس از مرگ مادر شاعر است. او پیش از این دو شعر بلند دیگر به نام‌های «خاکستر و بانو» و «قصیده لبخند چاک‌چاک» را در پرورده شاعری‌اش دارد که به تازگی توسط نشر نیماژ ناشرش شده است.

در حاشیه وضعیت تئاتر

نگشیدش، خودش دارد می‌میرد

فهریم پناهنر | هنرمندان به‌خصوص هنرمندان فعال در حوزه نمایش بیش از هر کس دیگری معنی تراژدی را می‌دانند و آن را لمس می‌کنند، چراکه در این سال‌ها گاهی با شدت بیشتر و گاهی هم کمتر در وضعیت ترازیک غوطه‌ورند. وضعیتی که نه‌تنها با هر تغییری درست نمی‌شود، بلکه بدتر هم می‌شود. گویا قرار نیست مشکلات حتی ابتدایی تئاتر نیز حل شود و انگار دیگر رمقی برای این هنر و هنرمندانش باقی نمانده است.

اگر نگاه به وضعیت هنرمندان نمایش در شهرها و شهرستان‌های بزرگ و کوچک بیندازیم، به راحتی می‌بینیم که هنرهای نمایشی نفس‌های آخر خود را می‌کشد و در

خبرچین

اعتراض کاهانی به راه نیافتن فیلم «استراحت مطلق» به جشنواره فیلم فجر:

به‌راه خودم می‌روم

مهرداد ابنی‌دوست | یکی از فیلم‌های مطرحی که راه نیافتنش به جشنواره سی و سوم فیلم فجر با حاشیه‌های زیادی روبه‌رو شده است، «استراحت مطلق» عبدالرضا کاهانی است. این فیلم را کاهانی در فرانسه ساخته است و یه‌زودی اکران بین‌المللی آن شروع می‌شود. حالا دیروز کاهانی نشستنی مطبوعاتی ترتیب داد تا اعتراض خود را نسبت به رفتار مدیران سینمایی و دبیر جشنواره فیلم فجر اعلام کند. عبدالرضا کاهانی می‌گوید رفتار دولت احمدی‌نژاد با سینماگران باعث شده است تا در خارج از ایران فیلم بسازد و حالا که دولت تدبیر و امید روی کار آمده، انتظار داشته است شاهد برخوردهای بهتری از مدیران سینمایی و دبیر جشنواره فیلم فجر باشد. فیلم او ۱۷ اصلاحیه خورده است که کاهانی دیروز در نشست مطبوعاتی‌اش خبر داد که آنها را انجام داده، اما بازهم رفتار دبیر جشنواره فیلم فجر باعث شده تا «استراحت مطلق» به جشنواره پذیرفته نشود. کاهانی نسبت به همین برخوردها اعتراض خودش را با اهالی رسانه درمیان گذاشته تا بگوید که رفتار دبیران قبلی جشنواره فیلم فجر با او بهتر از رفتار علیرضا رضاداد بوده است. او که نسبت به راه نیافتن فیلمش به جشنواره معترض است، در نشست مطبوعاتی با اهالی رسانه گفت: «رفتار دبیران پیشین جشنواره همچون محمد خزایی و سجادی‌پور با من و هنرمندان بسیار بهتر از رضاداد بود. من صراحتاً به ایوبی گفتم خیلی بد است مردم تفاوت بین روحانسی و احمدی‌نژاد را فقط در یک لبخند ببانند.» او گفت: «اینکه فیلم من در جشنواره نیست، نه‌تنها جای تعجب ندارد، بلکه یک نوع واقعیت است. اما تعجب من از رفتارهایی است که برخی مسئولان در جشنواره دارند. با وضعیت امروز سینما، فضایی برای گفت‌وگو وجود ندارد. آنقدر بی‌احترامی و کج‌روی و بداخلاقی صورت گرفته که مجبور شدم در برابر رسانه‌ها بنشینم و حرف بزنم.»

کاهانی راه نیافتن فیلمش به جشنواره را نوع جدیدی از سانسور دانست و گفت: «بعد از ساخت فیلم؛ از مهرماه منتظر دریافت پروانه نمایش بودیم و حتی می‌خواستیم فیلم را اکران کنیم، اما با پادرمیانی یکی از دوستان قرار شد فیلم در جشنواره شرکت کند و حتی مسئولان جشنواره و سازمان سینمایی نیز تاریخ و زمان نمایش فیلم در برج میلاد را با هماهنگی به من اعلام کردند. من برای نمایش این فیلم برای اولین‌بار سانسور را قبول کردم و با یک مدیر سینمایی شام خوردم و برای اولین‌بار رفتم

ارشاد و تعهد دادم که موارد اصلاحی را درست کنم و حتی با من صحبت شد فیلمی را که در فرانسه ساخته‌ام، در بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر نشان دهم.» کاهانی سیاست‌های جشنواره را مورد انتقاد قرار داد و گفت: «متأسفانه اعضای هیات انتخاب امسال نه‌تنها با همدیگر هماهنگ نیستند، بلکه با خودشان نیز هماهنگ نیستند و هر روز درباره فیلم‌ها و آرای‌شان یک نظر می‌دهند و خودشان را شگفت‌زده می‌کنند. نه‌تنها امروز بسیاری از مسئولان در جشنواره فیلم فجر و سازمان سینمایی از زیربار مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند، بلکه خود سینماگران نیز از هم دفاع نمی‌کنند، ولی نمی‌دانند ولایی که امسال بر سر من آمده شاید سال‌ها بعد بر سر دیگر سینماگران بیاید. حتی اگر فیلم من امسال انتخاب شده بود، بازهم به احترام افرادی همچون فرمان‌آرا، فیلمم را از جشنواره خارج می‌کردم.» کاهانی با توجه به هفت فیلمی که دیده است، وضعیت جشنواره سی‌وسوم را این‌طور پیش‌بینی کرد: «امروز در فجر احتیاط و نگرانی‌ای وجود دارد که قابل قبول نیست و متأسفانه بخش نگران‌کننده در جشنواره، سیاستی است که مسئولان در قبال فیلم‌های اجتماعی درنظر گرفته‌اند و فیلمسازان را به سمتی هدایت می‌کنند که فیلم‌های خنثی بسازند. به همین دلیل امسال ما هیچ فیلم شگفت‌انگیزی نمی‌بینیم.» عبدالرضا کاهانی به این امید که فیلمش در جشنواره سی‌وسوم به نمایش دراید، اصلاحیه‌های زیادی را انجام داده است، اما باز هم فیلمش در جشنواره پذیرفته نشده است. او درباره این اصلاحیه‌ها گفت: «۱۶ مورد اصلاحیه به فیلم خورده است که بسیاری از موارد با پیگیری‌های سعید خانی که این‌ها را حذف می‌کند، امکان‌پذیر نیست، زیرا من فیلم‌هایم را از لحاظ زمانی دقیق می‌سازم و با حذف صحنه‌های فیلم از لحاظ زمانی فیلم آسیب می‌بیند. در طول فیلم رضا عطاران و فریده احمدزاده که واقعا زن و شوهر هستند همدیگر را در صحنه‌هایی لمس می‌کنند. ارشاد اعلام کرد که باید اول فیلم در تیتراژ ابتدایی بنویسی که این دو نفر واقعا با هم زن و شوهر هستند و من هم قبول کردم و حتی گفتم تصویر عقده‌نامه آنها را اول فیلم بگذارم. در صحنه‌ای از فیلم مجید صالحی و بابک حمیدیان درحالی که نیم‌تنه بالای آنها برهنه است، فوتبال بازی می‌کنند. این صحنه نیز مورد انتقاد ارشاد بود زیرا فکر می‌کردند بازیگری مانند حمیدیان که نقش‌هایی خاص را قبلا قبول کرده؛ باید در زندگی واقعی نیز همانند نقش‌هایش باشد. من در جلسه با ایوبی و رضاداد گفتم که شمقدری و سجادی‌پور خیلی مرا اذیت کردند و اصلا به دلیل اینکه آنها به من مجوز نمی‌دادند، من از ایران رفتم اما امروز متوجه شدم که آنها مدیران بهتری هستند. من فیلم می‌سازم و به راه خود ادامه می‌دهم اما دیگر فریب جشنواره فیلم فجر را نمی‌خورم. همان یک بار که در جشنواره بودم برای من کافی است.» کاهانی به رفتار مدیران سینمایی در برابر فشارهای وارد آمده و مقب‌نشینی‌های‌شان اعتراض کرد و گفت: «این امر نوع جدیدی از رفع تکلیف است، اینکه وزارت ارشاد می‌گوید کاری از دستش برنمی‌آید پس از دست چه کسی کاری برمی‌آید. اگر وزیر نمی‌تواند به وظایف خود عمل کند، هرقدر هم آدم خوبی باشد، می‌تواند خداحافظی کند و برود. به همین دلیل من موافق هستم که وزیر ارشاد استیضاح شود، اما به این دلیل که چرا فیلم‌هایی که با پول بیت‌المال ساخته شده؛ اکران نمی‌شود.»

ادب‌وهنر

www.Farheekhtegan.ir

Wed | 14 Jan 2015 | vol.06 | No. 1572

چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۳ ■ ۲۲ ربیع‌الاول ۱۴۳۴ ■ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۵ ■ شماره ۱۵۷۲

خط داغ



فرهیختگان |مقام قضایی تهمنیه میلانی را به خاطر انتشار فیلمنامه «شهرزاد زن هزار و یک شب» که از ارشاد مجوز نشر داشته به دادگاه احضار کرده است.علی شجاعی‌صائین، مدیرکل دفتر توسعه کتاب و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره این احضاریه می‌گوید: «کار ما در اداره کتاب فارغ از غلط یا درست‌بودن فنی یک اثر، بررسی محتواست اما مقام قضایی می‌تواند فراتر از نظر ما از منظر حقوقی به محتوای یک کتاب وارد شود.» شجاعی گفته از متن احضاریه اطلاعی ندارد و می‌گوید: «آنچه در این مورد اتفاق افتاده خلاف روال نیست و قبلا هم پیش آمده است. گاهی کتابی موضوعی را دربر می‌گیرد که از نظر ما موردی ندارد اما در خارج از اداره کتاب منجر به یک شکایت یا نظر خاصی می‌شود که احضار به دادگاه را به‌دنبال دارد.»



فرهیختگان | برنارد ویلیامز تهیه‌کننده‌ای که فیلم‌های مطرحی چون «پرتقال کوکی» و «بری لندون» استلنی کوبریک، «رگنایم» میلوش فورمن، «سقرت» با بازی مارلئون براندو و رابرت دونیرو و «سفرهای ستاره‌ای: یک نسل» را در کارنامه‌اش داشت و ۷۲ سالگی چشمش از دنیا بست. او که با سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد در کالیفرنیا درگذشت.



فرهیختگان |شهرام ناظری به دیدن کنسرت علایم قاسیم‌اف رفته و در این کنسرت به قاسیم‌اف نشان تقدیری داده است. او در این کنسرت گفت: «من حین اجرای برنامه احساس می‌کردم در ملکوت هستم. اینکه از خواننده‌ای ملقب به «بلبل شرق» تقدیر می‌کنم به خود می‌بالم. موسیقی چیزی جز عشق نیست و اگر این حس در خواننده نباشد، محال است کلامش در شنونده نفوذ کند و من امیدوارم همه موسیقیدان‌ها به‌ویژه در ایران به یکدیگر عشق بورزند و این حس را به مردم نیز منتقل کنند.»



فرهیختگان |اردشیر صالح‌پور، دبیر سی‌وسومین جشنواره تئاتر فجر نشست خبری‌اش را برگزار کرد و در این نشست از مشکلات تئاتری‌ها گفت.او که روزهای شلوغی را پشت‌سر می‌گذارد می‌گوید در طول این مسئولیت دو بار استعفا داده است.او درباره بودجه امسال هم گفته: «پارسال بودجه جشنواره تئاتر فجر ۲/۵ میلیارد تومان بود اما امسال به نسبت پارسال این بودجه کمتر شده و ما تنها یک میلیارد و ۸۰۰ تومان در اختیار داشتیم و من نیز به این شرط این مبلغ را قبول کردم که از باقی‌مانده آن مطالبات بچه‌های تئاتر پرداخت شود.»

شما مدت‌ها در شهرستان زندگی کرده‌اید و جزء شاعران مطرح شعر ناب به‌شمار می‌روید. این در شهرستان بودن در بحث شعر و پیشبرد آن چقدر تأثیرگذار است. شاعر در آن فضاها چطور می‌تواند خودش را بشناساند؟

واقعیت امر این است که شهرستانی بودن نیاز به تلاش مضاعف دارد و اینکه ارتباط شاعر با شعر کشور قطع نشود. در شهرستان بودن اما یک حسن مسلم دارد؛ اینکه شاعر وقت بیشتری برای مطالعه دارد. این مساله درنهایت بر می‌گردد به اینکه اگر کسی قرار باشد سرنوشتش شعر باشد چه در مرکز شعر باشد چه در یک روستای دورافتاده زندگی کند می‌تواند خودش را مطرح کند. احتیاج به همت دارد و باید سال‌ها کار کند. وقتی به شعر عجین شدید و شعر تبدیل به هسته اصلی زندگی شما شد باید وقت بگذارید. زحمت شما چند برابر می‌شود، اما نتیجه هم می‌گیرید. از همه اینها گذشته باید شاعر هوشمندی باشد و اگر نگویم چند متر، حداقل ۱۰۰ سانتیمتر از آدم‌های دیگر مسائل را پیشتر ببیند. به این ترتیب می‌شود دوری از مرکز را جبران کرد.

در این سال‌ها برخی ناشران با هزینه شاعر کتاب‌هایشان را چاپ کرده‌اند. ارزیابی شما از این مساله چیست؟

من از همان ابتدای شاعری‌ام یعنی ۲۰ سالگی معتقد بودم که اگر قرار است زندگی‌ام را وقف شعر کنم و بعد از آن طرف برای چاپ شعر هزینه کنم و مثل بعضی‌ها برای چاپ شعر بیخجال خانواده را بفروشم یا قرض کنم کار درستی نیست. ولی تا اینجایی که من دیده‌ام اگر شاعری بتانسیل لازم برای شاعر شدن و شاعر بودن و پذیرفته شدن هم نداشته باشد حتی با چاپ دهمین کتاب هم راه به جایی نمی‌برد. بعضا اتفاق می‌افتد که با کتابی روبه‌رو می‌شوی که نامش بره‌ای ما تازگی دارد و بعد می‌بینیم که فهرست آثار چاپ شده شاعر ۲۰ کتاب است. یک سطر از آن شاعر به ذهن شما نمی‌رسد، ولی شانس همیشه با شاعری است که شاعرتر است و معرفی می‌شود. ما ناشرها به سراغش نمی‌روند. از یک سمت هم به غیر از چاپ شعر مساله پخش اهمیت دارد. خیلی از بچه‌های شهرستانی پول می‌دهند و کتاب چاپ می‌کنند و ناشر این کتاب را به صورت چند کارتن به شاعر می‌دهد و می‌گوید پخش آن بسا خودت است. درنهایت جای این کتاب‌ها زیر تخت‌ها هست یا در کارتن‌هایی در انباری. اگر کسی بپورده بخواهد خودش را شاعر نشان دهد راه به جایی نمی‌برد، ولی آن کسی که شاعر است و اولین کتابش را هم با هزینه خودش چاپ کرد ناشرهایی هم هستند که فرست و تیزهوشی‌ای دارند. که این شاعر را حمایت کند و کارهای بعدی‌اش را چاپ کنند.

سینما

برپا می‌شود، دریافت می‌کند. او برای اولین‌بار در سال ۱۹۷۹ با فیلم «چک سیاه» به جشنواره کن رفت که جایزه فیپرشی را دریافت کرد. سه فیلم او تاکنون توانسته جایزه نخل طلای کن را به دست آورد.



این روزها «نیم‌رخ آهو» را منتشر کرده است. مجموعه شعری که مولفه‌های شعری هرمز علی‌پور را دارد، اما تفاوت‌هایی هم با گذشته شاعر دارد. او در این مجموعه به لحاظ مفهومی شعر را به سمت فهم بیشتر مخاطب از شعرش برده و نشان داده است که می‌تواند پیچیدگی‌های شعری‌اش را حفظ کند و از آن سو ساده و قابل‌فهم‌تر هم باشد. «نیم‌رخ آهو» در نشر مرورید منتشر شده است. یکی از شعرهای او را در زیر می‌خوانیم: «او این وداعی جدی‌ست/ تا خاک سرخ/ که روزنامه‌ها تعجب‌شان را/ نهان نکرده‌ و/ این گردشی مرا در این‌ پرند/ به ام‌ری جدی تبدیل کرده/ و خلوتی به این آرامش/ و دوستانی که این همه زیبا»

ویژگی این نوع شعری که می‌گوید چه باید باشد و این مولفه‌ها را چطور می‌بینید؟

اگر بخواهیم خیلی خلاصه یکی از مولفه‌هایش را بگوییم این نوع شعر، شعری است که تلفیق و آمیختن‌ای از یک نوع ساده گفتن و برخورداری از وجه تصویری است. یک نوع سهل و منتن امروزی باید در کار به‌وجود آورد. مثل شعرهای سعدی که سهل و متعن است. شعر امروز باید نه آنچنان سخت و غیرقابل فهم باشد که نتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند و نه تهی از خط و لذت صوری و بصری باشد و نه

اینقدر ساده که تبدیل به کلمات ساده و قصار بشود و شبیه کاریکلماتور باشد، این حرکت و اتفاق حتما رخ خواهد داد. اما باید در نظر داشت که شعر جریان یک دمه یا دو و سه دهه نیست. شتاب و عجله‌ای هم که از سمت بچه‌ها برای چاپ شعر و هم از سمت مطبوعات و رسانه‌ها ایجاد شده به شکلی لطمه‌زننده است. اگر شعر امروز را از افسانه نیما یوشیج شروع کنیم بیش از ۹۰ سال می‌گذرد و هنوز نمی‌توانیم چند شاعری که هم خواص و هم عوام آنها را پذیرند، نام ببریم. کسانی مثل منوچهر آتشى و یدالله رویایی که جزء شاعران بزرگ کشور هستند نتوانسته‌اند

۶۶

واقعیت امر این است که نیاز به تلاشی بودن نیز به تلاشی مضاعف دارد و اینکه ارتباط شاعر با شعر کشور قطع نشود. در شهرستان بودن اما یک حسن مسلم دارد؛ اینکه شاعر وقت بیشتری برای مطالعه دارد

۹۹

مطرح آن همچون «یان هارت» و «ریکی تاملینسون» در فیلم‌هایش بازی گرفته است. کارگردان «آبادی که بر مرغزار می‌وزد» دکتری علوم انسانی را طی مراسمی که ۲۲ ژانویه در کلیسای متروپولیتن لیورپول

فرهیختگان | دانشگاه «لیورپول هوپ» می‌خواهد به کن لوچ دکتری افتخاری اعطا کند.لوچ فیلمساز مطرح انگلیسی به پاس «نگاه هنرمندانه، انسانی و متمایز» خود این مدرک را به دست می‌آورد. لوچ ارتباط خاصی با شهر لیورپول دارد و از چند بازیگر

نشانی برای نگاه هنرمندانه، انسانی و متمایز

لیورپولی‌ها به لوچ دکتری می‌دهند

فرهیختگان | دانشگاه «لیورپول هوپ» می‌خواهد به کن لوچ دکتری افتخاری اعطا کند.لوچ فیلمساز مطرح انگلیسی به پاس «نگاه هنرمندانه، انسانی و متمایز» خود این مدرک را به دست می‌آورد. لوچ ارتباط خاصی با شهر لیورپول دارد و از چند بازیگر